

## تروریسم بین‌المللی، افغانستان و موضع ایران

فاجعه یازدهم سپتامبر و قتل عام بیش از شش هزار نفر در نیویورک و واشنگتن میهن ما را در برابر موقعیت بسیار حساس و تعیین‌کننده‌ای قرار داده است. بی‌تردید واکنش صحیح جمهوری اسلامی در برابر چنین حادثه‌ای می‌تواند منشأ تأثیرات مثبت هم در آینده نظام و هم در روند تحولات خاورمیانه و مناسبات دنیای غرب با مسلمانان باشد.

**نهضت آزادی ایران** با درک موقعیت کنونی، توجه مردم عزیز و دولتمردان را به موارد ذیل جلب می‌کند.

۱- جمهوری اسلامی ایران و بعضی از کشورهای اسلامی در مظان اتهام حمایت از تروریسم می‌باشند. صرف‌نظر از صحت و سقم این اتهام، میزان باور افکار عمومی جهانی نسبت به این امر تأثیر مستقیم و مهمی در میزان نفوذ فرهنگ اسلامی و مقبولیت آن در جهان امروز دارد. مسلماً شعارهای بی‌مایه و تحریک‌کننده و عملکردهای ناصواب و خشونت‌آمیز در گذشته و حال صدمات جبران‌ناپذیری به حیثیت بین‌المللی برخی دولت‌های مسلمان از جمله ایران و به تبع آن شهروندان این کشورها زده‌است و سیستم‌های تبلیغاتی دشمنان نیز با بزرگنمایی این اشتباهات به آثار منفی آنها افزوده است. **نهضت آزادی ایران** ضمن حمایت و تأیید موضع‌گیری صحیح مسئولین جمهوری اسلامی ایران با فاجعه اخیر، حاکمیت را به ادامه خویشتن‌داری، پرهیز از بکاربردن ادبیات و لحن خشونت‌گرایانه و تأکید بر مفاهیم و مبانی صلح‌آمیز دین اسلام دعوت می‌کند. بی‌تردید بکارگیری زبان رحمت و محبت و همدردی می‌تواند در زدودن تیرگی‌ها از چهره جوامع اسلامی و جبران بسیاری از خطاها و اشتباهات گذشته بسیار مؤثر باشد.

۲- سرنوشت **افغانستان** و **طالبان** و حکومت جاننشین آنان در این مقطع زمانی تأثیر بسیاری در تحولات منطقه و بر مصالح و امنیت ملی کشورمان خواهد داشت. ایران نمی‌تواند و نباید نسبت به این تحولات بی‌اعتنا و یا بی‌طرف باشد. جمهوری اسلامی ایران شایسته است با تکیه بر دیپلماسی و حضور فعال مانع از آن شود که بعضی کشورهای ذینفع منافع عمومی مردم منطقه را به خاطر منافع ملی خود مصادره کنند. این امر با پرهیز از انزوگرایی و بی‌طرفی غیرفعال و با حضوری فعال، اما غیرجانبدارانه و ممانعت از پایمال‌شدن منافع ملی و منافع مسلمانان ممکن می‌باشد. حل بحران افغانستان و ایجاد صلح و امنیت در این کشور همسایه در جهت تأمین منافع منطقه، تنها در صورت استقرار حکومتی براساس یک انتخابات آزاد سرتاسری تحت نظارت سازمان ملل متحد و با مشارکت سازمان کنفرانس اسلامی با حضور تمام نیروهای موجود در افغانستان از طریق دموکراتیک و نه زدوبندهای سیاسی، امکان‌پذیر است. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با حضوری جدی در سازمان کنفرانس اسلامی و دیگر سازمان‌های بین‌المللی، ضمن جلوگیری از سوءاستفاده قدرت‌های بزرگ از شرایط فعلی، هم به یافتن راه حلی صحیح و اصولی برای مساله تروریسم کمک کند و هم جهانیان را با توانایی و قدرت نفوذ خود در بحران‌های

بین‌المللی تحت تأثیر قرار دهد. مصوبات نشست اخیر وزرای امور خارجه کشورهای عضو کنفرانس اسلامی در قطر نشان می‌دهد که زمینه‌های مساعدی در این راستا وجود دارد.

مبارزه با تروریسم بین‌المللی زیر نظر سازمان ملل، نه یک یا چند قدرت در بیرون از سازمان ملل متحد، علاوه بر حمایت کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، توان بالقوه جلب حمایت کشورهای غیراسلامی، نظیر چین، ژاپن، روسیه و بعضی کشورهای اروپای غربی را نیز دارد. مشارکت کشورهای اسلامی-عربی در ائتلاف بین‌المللی مبارزه با تروریسم زیر نظر آمریکا، بخصوص عملیات نظامی یک طرفه در افغانستان و کشتار مردم بی‌دفاع آن، با مخالفت جدی افکار عمومی در این کشورها روبروست. قرار گرفتن این مبارزه زیر نظر سازمان ملل متحد، کشورهای اسلامی-عربی را از آسیب‌های سیاسی مصون خواهد داشت.

اگرچه نشست وزرای امور خارجه کشورهای عضو کنفرانس اسلامی از ارائه یک تعریف جامع و مانع از تروریسم در ابعاد ملی و دولتی امتناع نمود، اما با صراحت عملیات نظامی دولت اسرائیل علیه مردم فلسطین را از مصادیق بارز تروریسم دولتی اعلام کرد و بر حق مبارزه مردم فلسطین برای داشتن وطن و دولت مستقل فلسطین تأکید نمود.

ایران، برخلاف برخی دیگر از اعضای سازمان کنفرانس اسلامی، دارای روابط دوستانه و نزدیک با آمریکا نیست و مواضع دولت خاتمی نیز در این سال‌های اخیر و همچنین درباره حادثه انفجار به بهبود موقعیت بین‌المللی ایران کمک کرده است. این موفقیت به ایران امکان ایفای نقش مثبت سیاسی در منطقه، حتی مشارکت در حل بحران خاورمیانه به نفع فلسطینی‌ها را می‌دهد و جهانیان را با چهره‌ای مثبت و سازنده از جمهوری اسلامی ایران روبرو می‌سازد. اما این مهم تنها هنگامی صورت می‌گیرد که با عملکرد صحیح در حوزه داخلی و تمکین از اصول قانون اساسی، رعایت مبانی حقوق بشر و میثاق‌های اجتماعی و پیروی از قوانین بین‌المللی در عرصه خارجی همراه باشد.

۳- در حالی که دولت‌های اسلامی و سازمان‌ها و جناح‌های مختلف و بخصوص مردم انسان‌دوست کشورهای اسلامی حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر به نیویورک و واشنگتن را محکوم کرده و نسبت به آن اعلام براءت کرده و آنرا غیرقابل قبول دانستند، متأسفانه آمریکا با همکاری انگلیس، بجای خویش‌تنداری و جستجوی راه حلی سیاسی با همکاری همه کشورهای منطقه، در هفته گذشته، به حمله نظامی همه جانبه‌ای به افغانستان دست زد و حضور نظامی خود را در این منطقه حساس خاورمیانه تثبیت کرد. عملیات نظامی گسترده علیه افغانستان موجب حضور نظامی آمریکا در کشورهای آسیای مرکزی شده است. برخی از کارشناسان بر این باورند که در پس حمله نظامی به افغانستان، اهداف دیگری غیر از مبارزه با طالبان و بن‌لادن وجود دارد و آن کنترل منابع نفت و گاز طبیعی این کشورها می‌باشد. در هر حال عملیات نظامی آمریکا اگرچه ممکن است بر طبق مفادی از منشور سازمان ملل قابل توجیه باشد اما نه تنها نمی‌تواند تروریسم را از بین ببرد بلکه صلح و آرامش در منطقه و امنیت ملی ایران را بطور جدی به خطر می‌اندازد و به مردم دلیر و مظلوم افغانستان که ۲۳ سال است به خاطر دخالت بیگانگان در سخت‌ترین شرایط انسانی بسر می‌برند ظلم مضاعف و جنگ مجددی را تحمیل می‌نماید.

**نهیست آزادی ایران چنین حمله نابرابر و غیرمتمعارفی را نادرست دانسته و آنرا محکوم می‌کند.**

۴- شواهد محدود و پراکنده‌ای که ارائه شده است برای اثبات انجام عملیات تروریستی ۱۱ سپتامبر توسط بن‌لادن و سازمان القاعده کافی بنظر نمی‌رسد. بن‌لادن فاقد توانمندی‌های لازم برای انجام عملیاتی در چنان ابعادی می‌باشد. علاوه بر این، بسیاری از صاحب‌نظران می‌دانند که نه تنها بن‌لادن و تشکیلاتش توسط سازمان سیا برای مبارزه با روس‌ها آموزش دیده بودند، بلکه سازمان‌های امنیتی آمریکا، پاکستان، عربستان سعودی و مصر در آنها نفوذ دارند. بنابراین چگونه بن‌لادن و سازمان القاعده می‌توانسته‌اند چنین عملیاتی را دور از چشم مأمورین امنیتی این سازمان‌ها انجام دهند و آیا بدون حمایت و کمک سازمان‌های مجهزتر می‌توانسته‌اند دست به اقدامات تروریستی بزنند؟

۵- در دنیای پرشتاب و تغییر کنونی، دولت‌ها و نظام‌هایی که نسبت به تحولات اجتماعی و بین‌المللی بی‌تفاوتی و یا سرسختی نشان می‌دهند راه به جایی نمی‌برند. اینک در شروع هزاره سوم، فرصتی استثنایی در اختیار ایران و مسلمانان قرار گرفته است. وجدان بین‌المللی به شدت از خشونت و ترور متأثر و غمگین است. در سرتاسر دنیا از بالکان تا خاورمیانه و از آمریکا تا رواندا و سومالی، ملت‌ها درد و رنج وحشت و ترور را چشیده‌اند. حوادث اخیر، برای اولین بار در ابعاد بسیار گسترده‌ای پیام‌های ناگوار و وحشتناک تعصبات کور را به مردم آمریکا نیز نشان داده است. افکار عمومی مردم آمریکا، در حالی که به شدت علیه عاملین فاجعه ۱۱ سپتامبر بسیج شده است، در همان حال به دنبال آگاهی بر علل و اسباب تنفر مردم دنیا از آمریکا می‌باشند. وجدان عمومی بشریت مسئولیت این امر را متوجه تمام کشورهای جهان می‌داند. امروز حتی در آمریکا هم لزوم بازنگری در سیاست‌های گذشته این کشور ضروری تشخیص داده می‌شود و در سطح افکار عمومی مطرح می‌باشد. حادثه ۱۱ سپتامبر، مبارزه با تروریسم بین‌المللی را به عنوان اولویت در سیاست خارجی آمریکا مطرح ساخته است. اما موفقیت در این سیاست، در گرو جلب حمایت کشورهای عربی و اسلامی است که آن هم مشروط به حل بحران روابط فلسطین و اسرائیل می‌باشد. دولت بوش، با موضعی که در برابر این فاجعه اتخاذ کرده است از حمایت بی‌سابقه مردم آمریکا، ۹۰ درصد، برخوردار شده است. این امر به دولت آمریکا این امکان و قدرت را می‌دهد تا بتواند فارغ از فشارها و ملاحظات گروه‌های فشار صهیونیستی، برای حل بحران خاورمیانه عمل نماید. میلیتاریست‌ها و نفتی‌ها در دولت بوش از موقعیت برتری برخوردارند و برای حل بحران خاورمیانه و وادار ساختن اسرائیل به قبول شرایط صلح پایدار فشار می‌آورند. قبل از حوادث ۱۱ سپتامبر وزیر امور خارجه آمریکا قرار بود که در سخنرانی خود در سازمان ملل متحد، دولت فلسطین و استفاده هر دو دولت اسرائیل و فلسطین از بیت‌المقدس را بطور جداگانه و توقف ساختن شهرک‌های یهودی‌نشین را اعلام نماید. این امر آن چنان بر اسرائیلی‌ها سنگین آمد که نخست وزیر آن کشور خشمگینانه آمریکا را به جلب رضایت اعراب به هزینه اسرائیل متهم ساخت که با واکنش شدید دولت آمریکا روبرو شد و مجبور به پوزش‌طلبی گردید. در نشست قطر، وزرای امور خارجه کشورهای اسلامی از موضع دولت بوش استقبال کردند. با وجود این، در عین حال باید توجه داشت که این موضعگیری دولت بوش ممکن است صرفاً حرکتی موقتی برای جلب نظر موافق دولت‌های عربی برای شرکت در ائتلاف ضد تروریستی به رهبری آمریکا باشد. در جنگ دوم خلیج فارس و حمله به عراق، دولت آمریکا مواضع رسمی مشابهی را اتخاذ کرد که کتباً به دولت‌های عربی داده شد. اما در عمل، اقدامی صورت نگرفت و آمریکا به وعده‌های خود یا عمل نکرد یا قادر به انجام آنها نشد.

نهضت آزادی ایران با تأیید مجدد حرکت‌های مثبت و سازنده‌ای که در عرصهٔ سیاست خارجی طی سال‌های اخیر صورت گرفته است، حاکمیت را به ادامهٔ تنش زدایی در خارج و رعایت حقوق اساسی مردم و آشتی ملی در داخل توصیه نموده و برای خیرخواهان این ملت از خداوند طلب توفیق و تأیید در خدمت می‌نماید.

نهضت آزادی ایران